

تحلیل تطبیقی رویکرد فریقین در مسئله رجعت

بر اساس آیه ۸۳ نمل

ابوذر رجبی*

چکیده

شیعه در اعتقادهای خود، به مسئله رجعت باور دارد، اما اهل سنت نسبت به آن بی‌اعتقاد است. متفکران شیعه برای اثبات این عقیده به ادله متعددی تمسک کرده‌اند، از جمله به متون دینی اعم از آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، عقل و اجماع. این امور به انضمام واقعیت‌های تاریخی در اقوام گذشته، امکان رجعت را اثبات می‌کند. در میان ادله نقلی، برخی آیات اثبات‌کننده این باور در آخرالزمان است. به نظر مفسران شیعه در رأس این آیات، آیه ۸۳ سوره نمل قرار دارد که در عرف قرآن‌پژوهان شیعه به آیه اثبات‌کننده رجعت در زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام مشهور است، اما در برابر، مفسران عامه به نقد دیدگاه عالمان شیعی پرداخته‌اند. در این تحقیق با رویکردی تحلیلی به بررسی موشکافانه دیدگاه مفسران فریقین در مدلول آیه فوق پرداخته و در ادامه نظر مفسران اهل سنت را به نقد کشیده است.

واژگان کلیدی

آیه ۸۳ نمل، آیه رجعت، تفسیر تطبیقی، تفسیر کلامی، رجعت، حشر، آخرالزمان.

abuzar_rajabi@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۸

*. استادیار دانشگاه معارف اسلامی.
تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۳

طرح مسئله

در میان عقاید و باورهای دینی، پاره‌ای از امور مورد اختلاف متدینان به یک دین است. این امر شواهد متعددی در ادیان توحیدی و از جمله اسلام دارد، از مواردی که میان مذاهب اسلامی مورد اختلاف واقع شده و تلقی یکسانی درباره آن وجود ندارد، مسئله رجعت است. از زمان شکل‌گیری دین مبین اسلام تا به امروز این امر مورد بحث متفکران اسلامی واقع شده است. شیعیان قائل به آن و در برابر اهل سنت منکر آن هستند. عمده شبهات مربوط به این مسئله نیز از سوی عالمان اهل سنت مطرح شده و متفکرین شیعی از گذشته تا به امروز با آثار متعددی با عنوان «اثبات الرجعه» در جهت پاسخ‌گویی به این شبهات برآمده‌اند. افرادی مانند فضل بن شاذان، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، حسن بن سلیمان بن خالد حلّی، محمدباقر مجلسی، محمد بن حسن حرعاملی، آقا جمال خوانساری، حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، محمدرضا طوسی نجفی به نگارش کتاب‌هایی درباره رجعت دست زده‌اند. در دوره معاصر نیز این مسئله مورد غفلت عالمان شیعی واقع نشده و با غالب‌های مختلفی همچون کتاب، مقاله، پایان‌نامه به طرح و پاسخ شبهات مخالفان در این زمینه پرداخته‌اند.

ضمن اینکه متکلمان شیعی مانند شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ۷۸ - ۷۷)، سید مرتضی (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۰۲) شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۴: ۶۰؛ همان، ۱۴۰۴: ۳ / ۴۵۸)، مظفر (مظفر، ۱۳۸۷: ۸۰) و جعفر سبحانی (سبحانی، ۱۴۲۳ الف: ۴ / ۲۸۹؛ همان، ۱۴۲۳ ب: ۶ / ۳۵۲) به تناسب در آثار مختلف خود به مسئله رجعت اشاره داشته‌اند.

به باور متفکران شیعی این عقیده از مسلمانی است و ادله متعدد عقلی و نقلی و تاریخی این امر را اثبات می‌کند. (بنگرید به: مظفر، ۱۳۷۸: ۸۱؛ سبحانی، ۱۴۲۳ الف: ۴ / ۲۸۹)

در برابر این دیدگاه متفکران اهل سنت رجعت را از باورهای انحرافی شیعه دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند. ابن اثیر در باب رجعت می‌نویسد: «رجعت در ایام جاهلیت مذهب قومی از عرب بوده و گروهی از مسلمین و اهل بدعت و هوی و هوس هم به آن قائل بوده‌اند که از جمله ایشان از رافضه‌اند و می‌گویند: مرده به دنیا برمی‌گردد و در دنیا زنده می‌شود، همانطور که سابقاً زنده بود.» (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۲ / ۲۰۲)

نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت اینکه مسئله رجعت باور مشترک میان شیعیان و غالیان نیز به حساب می‌آید. بسیاری از غالیان مرگ رهبران خویش را انکار کرده و مدعی بازگشت آنان در آینده‌ای نزدیک یا قبل از قیامت بوده‌اند. (حاجی زاده، ۱۳۹۴: ۷۲) بنابراین در تحلیل مسئله رجعت باید با ظرافت برخورد شود تا باور مسلم شیعی با آنچه غالیان مطرح می‌کنند، در نیامیزد.

طرح مسئله رجعت با رویکردهای مختلفی می‌تواند صورت گیرد. در این تحقیق اثبات این مسئله با توجه به آیه ۸۳ سوره نمل مطرح می‌شود و نظرات مفسران فریقین در این باب دنبال و تحلیل می‌گردد.

مفهوم شناسی رجعت

الف) از نظر لغوی

رجعت مصدر مره^۱ از ماده «رجع» به معنای یکبار بازگشتن است. غالب واژه‌شناسان درباره معنای رجعت دیدگاه مشترکی دارند. جوهری چند معنا برای آن ذکر می‌کند که یکی از این معانی رجوع بعد از مرگ است: «فلان یؤمن بالرجعه بالرجوع الی الدنیا بعد الموت». (جوهری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۲۱۸ - ۱۲۱۶)

ابن فارس نیز چند معنا ذکر می‌کند، اما به بازگشت بعد از مرگ هیچ اشاره‌ای ندارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۴۹۱ - ۴۹۰) این منظور نیز معانی متعددی از رجعت را مطرح می‌کند، اما به رجوع پس از مرگ اشاره‌ای ندارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸ / ۱۱۴، ۱۱۹ - ۱۱۸)

فیروزآبادی ضمن بیان معانی متعدد رجعت، به معنی بازگشت پس از مرگ نیز اشاره دارد. (فیروزآبادی، بی‌تا: ۳ / ۳۶) فراهیدی رجعت را به معنای بازگشت به عالم دنیا می‌داند. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۲۶ - ۲۲۵) طریحی نیز در به معنای رجوع به دنیا پس از مرگ اشاره دارد. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴ / ۳۳۴) شرتونی درباره معنای رجعت می‌نویسد: «رجع الرجل رجوعاً و مرجعاً، و معه انصرف ... هو یؤمن بالرجعه: ای بالرجوع الی الدنیا بعد الموت». (شرتونی، ۱۳۶۱: ۱ / ۲)

در نصوص دینی غیر از واژه رجعت از واژگان دیگری مانند: «ایاب، کره، رد و حشر» برای این معنا استفاده شده است. در میان روایت وارد شده از زبان معصومان، بیشترین واژه‌ای که به همان معنای رجعت بیان شده، لغت «کره» است. (حر عاملی، بی‌تا: ۲۳۶) این واژه از ماده «کرر»، به معنای رجوع و بازگشت مجدد است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۱۳۷) برخی از اهل لغت «کره» را به همان معنای اصطلاحی رجعت گرفته و مصداق آن را در آخرالزمان در آستانه ظهور قیام موعود می‌دانند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۷۲) در روایات پرشماری، واژه به صورت مفرد (الکره)، جمع (الکرآت) و هیئت‌های دیگر این ماده، به معنای رجعت اصطلاحی به کار رفته است. مشهورترین واژه برای بازگشت قبل از مرگ به دنیا همان رجعت است.

ب) از نظر اصطلاحی

در تعریف اصطلاحی رجعت تعابیر مختلفی از سوی متکلمان به کار رفته است. ابتدا به برخی از آنها اشاره و در ادامه تعریف مختار بیان می‌شود.

۱. مصدر مره برای بیان وقوع یکبار فعل، استعمال می‌شود. در این صورت رجعت که مصدر مره از ماده رجع است به معنای یکبار بازگشتن است.

اولین متکلمی که به‌طور رسمی به تعریف رجعت پرداخت، فضل بن شاذان است که در کتاب *الایضاح* بیان می‌کند: «رجعت بازگشت قبل از روز قیامت برخی از مردگان است.» (فضل بن شاذان، ۱۳۶۳: ۳۸۲ - ۳۸۱) شیخ صدوق نیز در آثار خود به بحث رجعت ورود پیدا کرده (صدوق، ۱۴۱۴: ۶۰؛ همان، ۱۴۰۴: ۳ / ۴۵۸) و آن را از باورهای رسمی شیعیان می‌داند.

شیخ مفید نیز رجعت را بازگشت برخی از مردگان به عالم دنیا قبل از قیامت می‌داند. وی در تعلیل این امر بیان می‌کند که خدا به‌جهت عزت بخشیدن به عده‌ای و دلیل کردن برخی دیگر، در هنگامه ظهور رجعت را محقق می‌سازد. (مفید، ۱۴۱۳: ۷۸ - ۷۷) از نظر او این مسئله کاملاً ریشه در قرآن، روایات و اجماع دارد. (همان: ۷۸) شاگرد برجسته او سید مرتضی نیز تعریف استادش را در رجعت اتخاذ نموده و آن را زنده شدن برخی از مردگان توسط خدا در هنگام ظهور می‌داند. (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۰۲ - ۳۰۳)

متفکران بعدی نیز با عبارتی شبیه به جمله‌های شیخ مفید مسئله رجعت را مطرح کرده‌اند. (بنگرید به: حلبی، بی‌تا: ۴۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۶۷؛ قزوینی، ۱۳۳۵: ۲ / ۲۹۰؛ مجلسی، ۱۳۸۷: ۳۵۴؛ مظفر، ۱۳۸۷: ۸۰؛ ربیعی قزوینی، ۱۳۷۶: ۱۰؛ طبسی نجفی، بی‌تا: ۱ / ۱۵؛ سبحانی، ۱۴۲۳ الف: ۴ / ۲۸۹؛ همان، ۱۴۲۳ ب: ۶ / ۳۵۲) بنابراین با بررسی اجمالی آراء متکلمان شیعی نتیجه می‌شود که اصل رجعت از باورهای رسمی شیعیان است و بر این اساس آنان قائل به زنده شدن برخی از انسان‌ها در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام هستند. بر این اساس رجعت؛ یعنی زنده شدن مردگان با همان بدن قبلی^۱ و بازگشت آنها به دنیا قبل از روز قیامت. (همان، بی‌تا: ۴۶۰)

ادله اثبات رجعت

شیعه برای اثبات این باور به ادله متعدد عقلی و نقلی و شواهد تاریخی استناد می‌کند، از میان ادله عقلی، متفکران شیعی بر امکان‌پذیر بودن آن استدلال کرده‌اند. از آنجا که خدا قادر مطلق است، این اطلاق بر زنده نمودن پاره‌ای از انسان‌ها در این دنیا قبل از قیامت هم دلالت دارد، از این رو منعی برای وقوع این پدیده در دنیا وجود ندارد. (طبسی، ۱۳۸۶: ۲۹؛ شه‌میری، ۱۳۸۷: ۳۹ - ۳۷؛ سلیمیان، ۱۳۸۴: ۶۵ - ۶۴)

در میان ادله نقلی نیز آیات متعددی از قرآن و روایات فراوانی از معصومین برای مسئله رجعت ارائه شده است. برخی از آیات به اصل وقوع رجعت و امکان آن اشاره دارد، برخی به رجعت در آخرالزمان پرداخته و

۱. زیرا اگر با بدنی دیگر باشد، مصداق تناسخ خواهد بود. بین تناسخ و رجعت تفاوت وجود دارد. (بنگرید به: سبحانی، ۱۴۲۳ الف: ۴ / ۳۱۱).

برخی نیز رجعت در امم گذشته را گزارش می‌کند. در آیات ۵۵ و ۵۶ بقره به زنده شدن پاره‌ای از مردگان و رجعت به دنیا در زمان حضرت موسی اشاره دارد:

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ * ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

در همین سوره ذیل آیه ۲۴۳ نیز مرگ هزاران نفر و رجعت آنان به دنیا پس از مرگ بیان شده است:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.

همچنین این آیات درباره رجعت در امم گذشته است: (بقره / ۷۳ - ۷۲) (مسئله زنده شدن کشتگان بنی‌اسرائیل)؛ (بقره / ۲۵۹) (مسئله زنده شدن عزیر نبی بعد از صد سال)؛ (آل عمران / ۴۹) (مسئله زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی)؛ (کهف / ۲۵) (داستان اصحاب کهف) آیه ۱۱ سوره غافر نیز به اصل رجعت اشاره دارد. بیش از ده آیه در قرآن به این امر می‌پردازد. (حرعاملی، بی‌تا: ۹۲ - ۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳ / ۱۴۴ - ۴۰) اما مهمترین آیه درباره دلیل وقوع رجعت در آخرالزمان آیه ۸۳ سوره نمل است.

در کتب روایی نیز روایات فراوانی برای اثبات رجعت یا وقوع آن در امم گذشته بیان شده است. (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳ / ۷۴) ضمن اینکه برخی از متکلمان و متفکران شیعی ادعای اجماع درباره رجعت دارند. در کتب کلامی شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالصلاح حلبی این ادعا بیان شده است. بررسی تمامی این ادله رسالت تحقیق حاضر نیست، از میان ادله نقلی نیز یکی از آیات محور بحث مقاله پیش‌رو است.

استدلال به آیه ۸۳ سوره نمل برای اثبات رجعت

در میان آیات متعددی که برای اثبات رجعت در قرآن آمده، هیچ آیه‌ای به‌صراحت آیه ۸۳ نمل برای اثبات رجعت نیست، در این آیه می‌فرماید:

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ؛ (به‌خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم و آنها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند.

مفسران شیعی بیان می‌دارند که آیه درباره حشر قبل از قیامت و آن هم درباره برخی از انسان‌ها است؛

چرا که آیه به صراحت بیان می‌کند که گروهی از انسان‌ها محشور می‌شوند. اگر آیه ناظر به روز قیامت و حشر واپسین باشد، باید حشر را به همه انسان‌ها نسبت بدهد، نه به برخی از آنها، چه اینکه در آیات متعدد دیگری حشر قیامت به صورت جمیع مطرح شده است، به عنوان نمونه می‌توان به آیه ۴۷ سوره کهف اشاره کرد که می‌فرماید:

وَحَشْرُنَا هُمْ فَلَمَّ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا.

و همه آنان (= انسان‌ها) را برمی‌انگیزیم و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد.

مفسران اهل سنت آیه را درباره روز قیامت می‌دانند. قبل از بررسی دیدگاه مفسران فریقین به بررسی واژگانی آیه پرداخته می‌شود.

بررسی واژگان آیه

مهمترین واژه اساسی در آیه ۸۳ نمل، واژه «حشر» است. «حشر» در لغت به معنای گردآوردن و جمع کردن است. «محشر» به معنای «مجمع و محل گردآوردن است.» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳ / ۹۲) این منظور نیز همین معنا را برای آن بیان می‌دارد: «حَشْرُهُمْ يَحْشُرُهُمْ وَيَحْشِرُهُمْ حَشْرًا: جمعهم؛ ومنه يوم المَحْشَر» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۹۰) صاحب مجمع البحرین آن را به معنای برانگیختن آورده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۶۸) راغب اصفهانی «حشر» را به معنای کوچ دادن، خارج کردن گروهی از مقرشان و حرکت دادن آنها به سوی میدان جنگ یا غیر آن معنا کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۷) با توجه به نکاتی که اهل لغت برای حشر بیان داشته‌اند، سه قید اساسی در این کلمه وجود دارد: «برانگیختن، جمع کردن و راندن». (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲ / ۲۲۴) واژه مهم دیگر در آیه «فوج» است. «فوج» در لغت به معنای گروهی است که به سرعت حرکت می‌کنند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۶) در انتهای آیه واژه «یوزعون» آمده است. این کلمه از ماده «یزاع» و به معنای نگاه داشتن و جلوگیری از حرکت کردن است، به گونه‌ای که ابتدای جمعیت و انتهای آن در یکجا گردهم آیند. (همان: ۸۶۸)

دیدگاه مفسران اهل سنت درباره آیه

غالب مفسران اهل سنت آیه را درباره روز قیامت و حشر واپسین انسان‌ها می‌دانند. فخر رازی به صراحت بیان می‌دارد که آیه به حشر انسان‌ها در روز قیامت اشاره دارد. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۵۷۳) آلوسی به نقد دیدگاه شیعه ذیل این آیه پرداخته است. او حشر در آیه را ناظر به روز قیامت می‌داند. به باور او حشر در قیامت دو نوع است: یکی حشر عمومی که همه انسان‌ها برانگیخته خواهند شد و دیگری حشر برای عذاب. آیه ۸۳ سوره نمل

ناظر به حشر برای عذاب است، نه حشر همگانی در روز قیامت. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۳۶) وی این آیه را از مشهورترین آیاتی می‌داند که امامیه برای رجعت بدان تمسک جسته است. (همان) در بین مفسران عامه او به تفصیل بیشتری به بحث از آیه و نقد دیدگاه شیعیان پرداخته است. محمد عزت دروزه نیز مانند آلوسی به نقد دیدگاه امامیه در تفسیر آیه پرداخته و همچون آلوسی به طبرسی را نقل و در ادامه نقد می‌کند. (دروزه، ۱۳۸۳: ۳ / ۳۰۴ - ۳۰۳) زمخشری نیز آیه یادشده را ناظر به روز قیامت می‌داند. (زمخشری، بی‌تا: ۳ / ۱۶۱) سید قطب از مفسران معاصر به صراحت به نقد شیعه در تفسیر آیه می‌پردازد و بیان می‌دارد که آیه در مقام بیان جایگاه عذاب تکذیب کنندگان است و نمی‌توان آن را ناظر به رجعت دانست. (قطب، ۱۳۸۶: ۶ / ۳۰۹)

قفاری از متفکران سلفی نیز مانند غالب مفسران اهل سنت دلالت آیه را در باب رجعت انکار کرده و حشر را مربوط به تکذیب کنندگان بعد از حشر کلی روز قیامت برای توبیخ و عذاب می‌داند. (قفاری، ۱۴۱۵: ۲ / ۹۲۰ - ۹۱۸)

از مفسرانی که آیه را مربوط به حشر بعد از روز رستاخیز دانسته‌اند، هیچ‌یک توضیح روشنی از تفاوت دو حشر بیان نمی‌دارند، بلکه به صورت ادعایی و کلی بیان داشته‌اند که آیه ناظر به حشر بعد از حشر است. اینان در آثار تفسیری خود از ادبیات یکسانی در این زمینه بهره جسته‌اند و در عدم توضیح مشترکند. (برای نمونه بنگرید به: طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۰ / ۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۳۳۸؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵ / ۳۲۲؛ طنطاوی، بی‌تا: ۱۰ / ۳۵۹؛ سورآبادی، ۱۳۸۰: ۳ / ۱۷۹۲؛ خطیب، بی‌تا: ۱۰ / ۲۹۴؛ مراغی، بی‌تا: ۲۰ / ۲۲؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۷ / ۱۳۵ و ...) البته افرادی مانند ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۹۴) و ثعالبی (ثعالبی، بی‌تا: ۴ / ۲۶۰) در تفسیر آیه یادشده، به تعارض حشر واپسین و حشر مورد اشاره در آیه پی برده‌اند و سعی در توجیه دیدگاه اهل سنت نموده‌اند.

با مراجعه به تفاسیر اهل سنت به دو نکته مهم می‌توان پی برد: نخست اینکه آن دسته از مفسرانی که ورود به بحث و تفسیر آیه کرده‌اند، آیه را ناظر به روز قیامت تلقی کرده و حشر در آن را حشر بعد از حشر عام دانسته‌اند؛ دوم اینکه مفسران مشهور اهل سنت غالباً وقتی به آیاتی که در تفسیر آن با شیعه اختلاف دارند، به تفصیل به بیان دیدگاه خود و نقد نظر مفسران شیعه می‌پردازند؛ اما از این آیه به سرعت عدول کرده و به تفسیر تفصیلی آن نپرداخته‌اند. (برای نمونه بنگرید به: رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۵۷۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۱۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۱۶۸) بنابراین علمای اهل سنت دلالت این آیه بر رجعت را نپذیرفته‌اند. (بنگرید به: رضائزاد و پای بر جای، ۱۳۹۵: ۵۷ - ۴۷)

دیدگاه مفسران شیعه درباره آیه

تحلیل درون‌متنی آیه

صراحت ظواهر آیه به انضمام روایاتی که ذیل آیه در مصادر اسلامی وارد شده است، مفسران شیعه را بر آن

داشته تا از تأویل غیر مجاز و تفسیر به رأی درباره آیه خودداری نمایند. ظاهر آیه صراحت در این دارد که حشر یادشده مربوط به همین دنیا و قبل از قیامت و آن هم برای عده‌ای از انسان‌ها است. این نکته هم در تفاسیر تحلیلی اجتهادی مانند *تفسیر المیزان* و *نمونه* و هم در تفاسیر اجتهادی با روش روایی مانند تفسیر *صافی*؛ و هم در تفاسیر روایی مانند تفسیر *علی بن ابراهیم قمی* و *البرهان* بحرانی آمده است. اساطین از مفسران شیعه یا به اختصار ورود به آیه پیدا کرده و آیه را ناظر به دوران ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و مسئله رجعت دانسته‌اند و یا مانند شیخ مفید، طبرسی و طباطبایی به تفصیل به واکاوی و تحلیل درون‌متنی آیه پرداخته‌اند. (برای نمونه بنگرید به: قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۳۱؛ مفید، ۱۴۲۴: ۳۹۳؛ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۱۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۶۷ - ۳۶۶؛ همان، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۰۳؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۷۸ - ۷۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۲۳۰ - ۲۲۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵ / ۱۲۶؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۰۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۷۵؛ همان، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۱۷؛ شبر، ۱۴۱۲: ۳۶۹؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۰ / ۸۶ - ۸۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۳۸۴؛ همان، ۱۳۶۵: ۲۲ / ۲۶۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۳۹۶؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۷ / ۴۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۵۴۹ - ۵۴۸)

در میان مفسران شیعی طبرسی در تفسیر *مجمع البیان* (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۶۶) و *جوامع الجامع* (همان، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۰۳) ضمن بحث درباره مفاد آیه به ارزیابی دیدگاه اهل سنت و برخی از شیعیان می‌پردازد. وی به برخی از شیعیان نسبت می‌دهد که در تفسیر آیه تن به تأویل داده و آیه را از ظاهر آن خارج ساخته‌اند. آنها به جای رجعت شخصی، آیه را ناظر به رجعت و بازگشت دولت حق می‌دانند. وی در ارزیابی این دیدگاه در *مجمع البیان* می‌نویسد:

... برخی از امامیه در آیات و اخبار رجعت تن به تأویل داده‌اند. به باور اینان مراد بازگشت، دولت و امر و نهی است نه بازگشت اشخاص و زنده شدن مردگان. اینان اخبار رجعت را بدان جهت که رجعت با تکلیف منافات دارد تأویل برده‌اند، اما این درست نیست؛ چرا که رجعت از کسی سلب اختیار نمی‌کند و چنین نیست که افراد را به انجام واجبات و ترک محرّمات مجبور سازد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۶۷)

ابوالفتوح رازی از مفسران قرن ششم پس از بیان آیه و استدلال به اینکه مراد خدا از حشر نمی‌تواند ناظر به روز قیامت باشد، به نقد نگره اهل سنت می‌پردازد. عمده اشکال او به مفسران عامه عدول بی‌وجه از ظاهر آیه و تأویل نادرست از کریمه شریفه است. وی در تفسیر خود می‌نویسد:

... اصحاب ما به این آیت تمسک کردند در صحت رجعت و گفتند خدای تعالی در این آیت گفت: روزی باشد که ما زنده کنیم از هر گروهی جماعتی را و این نه روز قیامت باشد، برای آن که روز قیامت همه خلایق را حشر کنند، چنان‌که: *وَ يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ*

جَمِيعًا... و گفت: وَحَشْرُنَاهُمْ فَلَمَّ نُغَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا، و این روز جز آن روز باشد به هر حال ... و آنان که گفتند: مراد روز قیامت است، گفتند «من» زیادت است و «فوجا» مکرر می‌باید و تقدیر آن که: ویوم نحشر کل امه فوجا فوجا و این عدول باشد از ظاهر به زیادت و نقصان که کلام بر او دلیلی نمی‌کند - و این مهم نیست چنین کردن - بل تا ممکن باشد کلام خدای را بر ظاهر و حقیقت خود حمل باید کردن. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۷۸ - ۷۷)

شیخ طوسی با تحلیل اجزای درون متن آیه بیان می‌دارد که ظاهر آیه تنها مسئله رجعت را بیان می‌دارد و ما ناگزیر از آنیم که همین امر را بپذیریم. (طوسی، بی تا: ۸ / ۱۲۰)

علامه طباطبایی با تحلیل درون متنی و نیز با شواهد برون متنی به تفصیل وارد بحث از آیه شده و آن را ناظر به مسئله رجعت می‌داند. مهمترین نکته‌ای که ایشان ذیل آیه مطرح می‌کنند آن است که حشر در این آیه، مربوط به پاره‌ای از انسان‌ها است و نمی‌تواند به حشر در قیامت بازگردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۹۹) نکته مهم دیگری که مفسران شیعی بدان توجه کرده‌اند، کلمه «من» در آیه است. کلمه «من» در آیه برای تبعیض است؛ یعنی تنها به حشر برخی از انسان‌ها نظر دارد، حال آنکه اگر مراد از حشر مربوط به روز قیامت باشد، باید از کلمه «من» تبعیض استفاده نمی‌شد. (طوسی، بی تا: ۸ / ۱۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۶۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۹۷) این نکته را خود عالمان اهل سنت در تفاسیرشان بیان کرده‌اند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۲۷۰؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۴ / ۲۲۰؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۹ / ۳۱۱؛ درویش، ۱۴۱۵: ۷ / ۲۶۱) اما با این حال از پذیرش آیه درباره رجعت امتناع ورزیده‌اند. متفکران شیعی در تفاسیر خود جملگی «من» را تبعیضیه می‌دانند. (شبر، ۱۴۱۲: ۳۶۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵ / ۱۲۶؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۲ / ۴۶۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۹ / ۵۹۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۲ / ۲۶۷؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۶ / ۱۸۶)

برخی از بزرگان شیعه به صراحت بیان می‌کنند اگر ادله نقلی ذیل آیه برای بیان رجعت نبود، باز هم می‌توان از این آیه مسئله رجعت را اثبات نمود؛ چرا که فریقین قبول دارند که بعد از روز رستاخیز رجعتی وجود ندارد، پس رجعت در آیه باید مربوط به قبل از روز قیامت باشد و آن هم در همین دنیا است. (حر عاملی، بی تا: ۷۳) خلاصه کلام اینکه به باور عالمان شیعی حشر در این آیه به معنای رجعت است؛ چرا که حشر در قیامت به افراد و امت و گروه‌ها تعلق دارد، نه گروه خاصی. حشر گروه خاص فقط در دنیا محقق خواهد شد و این همان معنای رجعت اتفاق است.

تحلیل برون متنی آیه (استناد به روایات)

مفسران شیعه افزون بر مفاد دلالتی آیه، به روایاتی که ذیل آیه از معصومین وارد شده نیز استدلال کرده‌اند. روایات

فراوانی از معصومین علیهم السلام برای تفسیر آیه ذکر شده است که منظور از حشر را به رجعت برخی از انسان‌ها در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام برگردانده‌اند. این نصوص بدون هیچ اختلافی مورد نزول آیه را درباره رجعت در عصر ظهور دانسته‌اند. (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۳۱ - ۱۳۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۱۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۳۳۰ - ۳۲۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۹ / ۵۹۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۰۰) ضمن اینکه در غالب روایات، مفاد آیه مذکور با مفاد آیه ۴۷ سوره کهف سنجیده شده است. اولی ناظر به رجعت و دومی ناظر به روز قیامت است.

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است که حضرت در پاسخ کسانی که رجعت را به کلی انکار کرده‌اند، آیه ۸۳ سوره نمل را تلاوت و فرمود: آیه مربوط به این دنیا است، اما درباره حشر روز رستاخیز آیه ۴۷ سوره کهف «وَحَشْرُنَاهُمْ فَلَمَّ نُغَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا» را قرائت فرمود. (سید مرتضی، بی تا: ۳؛ حر عاملی، بی تا: ۳۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳ / ۸۶)

درباره باور اهل سنت ذیل آیه که عقیده به حشر روز قیامت دارند از امام صادق علیه السلام سؤال شد و حضرت در پاسخ فرمود: آیا خدا در روز قیامت از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزد و بقیه را وامی‌گذارد؟ بلکه مراد آیه از حشر، حشر در رجعت است. آیه مربوط به حشر قیامت آیه ۴۷ سوره کهف «وَحَشْرُنَاهُمْ فَلَمَّ نُغَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا» است. (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۳۱ - ۱۳۰؛ حلی، بی تا: ۴۲ - ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳ / ۵۳)

شبیه به همین روایت از امام باقر علیه السلام رسیده است که حضرت در بیان کسانی که رجعت را انکار کردند، فرمود: آیا آنان قرآن را نمی‌خوانند که می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فِئَةً» (حلی، بی تا: ۲۵)

علامه طباطبایی روایات در باب رجعت را در حد تواتر معنوی می‌داند. علت اینکه اهل سنت آن را از معتقدات رسمی شیعه به حساب آورده‌اند، همین تواتر است. ایشان درباره ضعف برخی از روایات بر این باور است که خدشه در آنها ضروری به تواتر آنها وارد نمی‌کند. ضمن اینکه روایات فراوانی در مورد رجعت به صورت صحیح به دست ما رسیده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۰۷) شبیه به همین سخن را محمدباقر مجلسی نقل می‌کند.^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳ / ۱۲۳)

نقد نگره مفسران اهل سنت درباره آیه

متفکران شیعی از همان ابتدا متوجه اشکال اهل سنت شده و به نقد دیدگاه و اشکالات آنان پرداخته‌اند. شیخ مفید در تفسیر القرآن المجید (مفید، ۱۴۲۴: ۳۹۳) اشکال اهل سنت را در عدم تقسیم حشر به عام و

۱. جمله مجلسی در بحار الانوار این گونه است: «وإذا لم يكن مثل هذا متواترا ففي اي شيء يمكن دعوي التواتر مع ما روته كافة الشيعة خلفا عن سلف».

خاص می‌داند. به باور وی برانگیخته شدن انسان‌ها از قبور گاهی به شکل عام و عمومی است. این همان حشر مربوط به روز قیامت است، اما در قرآن از حشر دومی به‌عنوان حشر خاص نیز می‌توان سراغ گرفت. شیخ مفید آیه ۸۳ سوره نمل را ناظر به حشر خاص می‌داند. این حشر قبل از قیامت و روی همین زمین و قبل از قیامت است، که به باور امامیه این حشر مربوط به آخرالزمان و زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. (همان) بعد از شیخ مفید، سید حیدر آملی از تقسیم او استفاده و با ادبیات دیگری حشر در قرآن را دو قسم کلی و جزئی و یا کبری و صغری می‌داند. حشر کلی یا کبری مربوط به روز قیامت و حشر جزئی و صغری در همین دنیا و قبل از قیامت است. (آملی، ۱۴۲۲: ۳ / ۳۴۶) تقسیم شیخ مفید را در تفسیر معاصران از شیعه هم می‌توان ملاحظه کرد. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۲ / ۲۶۷)

در بین مفسران شیعی علامه طباطبایی به تفصیل اشکالات اهل سنت را فهرست و به آنها پاسخ می‌دهد. به باور ایشان آیه ظهور در رجعت در دنیا دارد و نمی‌توان حشر را به قیامت کبری بازگرداند. حشر در قیامت نمی‌تواند با عبارت فوج و گروهی از امت بیان شود، ضمن اینکه نمی‌توان حشر را به معنای حشر عذاب بعد از حشر عمومی تلقی نمود. تعجب از مفسر بزرگی چون فخر رازی است که این نکته را بیان می‌دارد^۱ حال آنکه تمام شواهد قرآنی خلاف آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۹۷) مبنای امثال فخر رازی خلاف مستندات عقلی و نقلی است و هیچ اساسی ندارد. ضمن اینکه ترتیب و ارتباط آیات در همین سوره نافی نکته اشاره‌شده از سوی مفسران اهل سنت است. (سبحانی، ۱۴۲۳ الف: ۴ / ۲۹۴)

مفسران اهل سنت در بیان دیدگاه خود هیچ دلیل و شاهی ارائه نمی‌کنند، ضمن اینکه دلیل و شاهد برخلاف نظر آنان است. همان‌طور که در واژه‌شناسی «حشر» به دیدگاه اهل لغت اشاره شد، در حشر سه قید: برانگیختن، جمع کردن و راندن وجود دارد، حال اگر براساس نظر اهل سنت گفته شود این حشر بعد از حشر روز قیامت است، این تناقض خواهد بود؛ چرا که کافران قبل از این، در حشر رستاخیز، از قبور برانگیخته شده‌اند. چگونه شما ادعای دوباره برانگیخته شدن آنان را دارید؟ حشر دوباره برای مردگان کاری عبث است. درواقع امری که حاصل شده (حشر) مجدداً باید حاصل گردد و این همان تحصیل حاصل است که تعالی الله عن ذلك.

علامه طباطبایی ضمن بی‌وجه دانستن دیدگاه کسانی که حشر در آیه را راجع به عذاب و حشر دومی پس از حشر واپسین دانسته‌اند، آن را خلاف صراحت و ظهور آیه می‌داند؛ چرا که اگر منظور آیه، حشر برای عذاب باشد، به صراحت یا قرینه این هدف باید در آیه ذکر می‌شد؛ حال آنکه هیچ قرینه‌ای برای اثبات این نکته وجود ندارد، ضمن اینکه خلاف آن شواهد بیشتری وجود دارد. آیه بعد خود صراحت در بیان حشر قبل از

۱. رازی در مفاتیح الغیب تصریح به این امر دارد: «فاعلم أن هذامن الأمور الواقعة بعد قیام القیامه» (رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۵۷۳)

قیامت دارد: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي...؛ تا زمانی که (به پای حساب) می آیند، (به آنان) می گوید...» (نمل / ۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۹۹)

نکته مهمی که ایشان درباره آیه بیان می کند، آن است که قبل و بعد آیه درباره خروج دابه الارض، یعنی جنبه در زمین قبل از قیامت است. در روایاتی که ذیل این آیات رسیده است این امر را به آخرالزمان برگردانده اند. خود مفسران اهل سنت هم معترف به این نکته اند که خروج دابه الارض از علائم قبل از قیامت است. اگر آیه ناظر به حشر برای عذاب و مسائل قیامت و احوال آن باشد، باید بعد از آن آیه ای ذکر می شد که درباره وقایع روز قیامت باشد. (همان: ۱۵ / ۴۰۰ - ۳۹۹)

قرآن در آیه ۸۲ همین سوره می فرماید: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ».

بحث درباره وقوع علائم قبل از قیامت است. آیه به صراحت بیان می دارد که هنگامی که در آستانه رستاخیز قرار گیرند، جنبه ای از زمین، از سوی خدا، برای آنها خارج می شود.^۱ در آیات بعدی مسئله روز قیامت و اتفاقات مربوط به حشر واپسین مطرح شده است: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرَجَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ» (نمل / ۸۷)

عالمان اهل سنت سیاق آیات را در نظر نگرفته و خود در تحلیل آیات قبل و بعد دچار تعارض شده اند. آنان ذیل آیه ۸۲ خروج جنبه و دابه الارض را مربوط به همین دنیا و در آخرالزمان می دانند و روایات فراوانی را از پیامبر در این زمینه نقل می کنند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۱۶؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۹۰) چگونه آنها سیاق آیه را که مربوط به همین دنیا است، نادیده گرفته و آیه ۸۳ را مربوط به روز قیامت می دانند؟ با استفاده از تحلیل درون متنی آیه می توان نظر شیعه را صادق دانست؛ چرا که با توجه به سیاق آیات قبل و بعد و مسئله خروج دابه الارض، آیه یادشده گواه بر این است که حشر در آیه، مربوط به عالم آخرت و قیامت نیست. ضمن اینکه مفاد همین آیه، حشر را با قید «فوج» بیان کرده است. تحلیل برون متنی (استناد به روایات) آیه هم خلاف نظر اهل سنت را به اثبات می رساند. ائمه معصومین در تفسیر و تبیین آیه، به صراحت مسئله رجعت را بیان داشته اند.

۱. در قرآن در دو آیه به «دابه الارض» اشاره شده که یکی از آنها در همین آیه است. در روایتی «دابه الارض» به امام علی علیه السلام و رجعت آن حضرت قبل از قیامت اشاره دارد. پاره ای از روایات آن را به امام مهدی علیه السلام تفسیر و برخی نیز آن را به جنبه ریش دار تفسیر کرده اند، (نیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷ - ۱۳) اما علامه طباطبایی پس از بحث در این باره می نویسد: «در اینکه این دابه چگونه خلقتی دارد، روایات بسیاری است که حرف های عجیب و غریب در آنها آمده و در عین حال با هم متعارض هستند». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۹۷)

در میان مفسران اهل سنت، آلوسی با اینکه دیدگاه شیعیان را درباره رجعت نقد می‌کند، درباره آیه یادشده نمی‌تواند از صراحت آیه گریزی بیابد و در نهایت اقرار می‌کند که از این آیه رجعت گروهی از کافران به دست می‌آید و این مدعی شیعیان را اثبات نمی‌کند؛ چرا که شیعیان می‌خواهند جزئیات رجعت را از آیه به دست آورند، و این امر امکان ندارد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۲۳۷) در نقد آلوسی باید گفت شما ادعای بی‌دلیلی را به علمای شیعه نسبت داده‌ای؛ چرا که هیچ یک از علمای شیعه در مقام اثبات جزئیات رجعت از این آیه برنیامده است، بلکه مفسران امامیه به صراحت بیان داشته‌اند که آیه مدنظر، اصل رجعت در آخرالزمان را، آن هم درباره برخی از انسان‌ها (مکذبین) اثبات می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۶۷ - ۳۶۶)

راهکار برون رفت از شبهات مطرح شده در ذیل آیه

فخر رازی و دیگر مفسران اهل سنت بدون تأمل دقیق در صدر و ذیل آیه، حشر را به معنای برانگیخته شدن برای عذاب بعد از حشر روز قیامت گرفته‌اند. ادله ذکر شده از سوی آنها با چالش‌های جدی مواجه است. البته آنان دلیل متقنی برای اثبات سخن خود بیان نکرده‌اند، تنها نکته صحیحی که اهل سنت در این آیه بدان به عنوان نکته قابل نقد بیان می‌کنند حشر مکذبین است و این به‌زعم آنان خلاف باور شیعیان است، آری این آیه رجعت اهل باطل را بیان می‌دارد، اما با اضافه کردن آیات دیگر و روایات می‌توان رجعت اهل ایمان را نیز به اثبات رساند. شیعه رجعت را به صورت عمومی مطرح نمی‌کند، بلکه آن را مختص انسان‌هایی می‌داند که در ایمان و شرک به نقطه خلوص و تام رسیده باشند، ضمن اینکه به باور امامیه رجعت اهل ایمان اختیاری، اما رجعت کفار و مشرکین با ذلت و اجبار است. (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹؛ اکبری، ۱۳۸۷: ۱۳)

عالمان اهل سنت شبهه خاصی را ذیل آیه که دلیل بر انکار رجعت باشد، بیان نمی‌کنند. عمده تفاسیر آنان فقط در مقام بیان آیه اشاره به حشر دوم برای توبیخ مکذبین دارد. (غیر از تفاسیر اشاره شده در صفحات قبل می‌توان به این تفاسیر نیز اشاره کرد: اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۲۷۰؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴ / ۲۷۲؛ بروسوی، بی‌تا: ۶ / ۳۷۴؛ ثعالبی، بی‌تا: ۴ / ۲۶۰؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۴ / ۲۲۰؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۱۹ / ۳۱۱؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۳ / ۳۰۳) آنان چون اصل رجعت را نتوانسته‌اند بپذیرند، تن به چنین امری داده‌اند. آلوسی در تفسیر خود اصل رجعت را امر انحرافی و بدعت عبدالله بن سبا می‌داند، بعد بیان می‌دارد که در قرن دوم جابر جعفی رجعت را به حضرت علی اختصاص داد و در ادامه امامیه آن را برای همه اهل بیت مطرح کرده‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۲۳۷) این سخن آلوسی بدون تحقیق و صرفاً از باب انکار باور شیعیان است. تناقض‌های آشکار او در همین تفسیر در مسئله پذیرش و عدم پذیرش رجعت آشکار است. ضمن اینکه ذیل همین آیه دچار تعارض‌های روشی است. علامه طباطبایی در نقد دیدگاه وی به همین تعارض‌ها اشاره می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۹۷)

اگر اهل سنت منصفانه به صدر و ذیل آیه بنگرند، معنای حقیقی آیه را به قیامت باز نخواهند گرداند و به این حقیقت اعتراف خواهند کرد که شواهد درونی و بیرونی آیه یادشده، حکایت از حشر قبل از قیامت دارد. حشر قبل از قیامت هم چیزی جز همان رجعت نخواهد بود، در غیر این صورت معنای آیه لغو خواهد شد. دلیل عقلی بر عدم امکان بازگشت انسان‌ها به دنیا وجود ندارد. اصل امکان وقوعی هم دلیل خلافی ندارد. متکلمان امامیه ضمن پاسخ به شبهه عدم امکان رجعت، بیان داشته‌اند که دلیلی بر عدم وقوع آن نداریم (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۲۵) و هم امکان وقوعی آن در طول تاریخ به اثبات رسیده است.

نظر نهایی درباره آیه

با جمع‌بندی نظرات فریقین درباره آیه نتیجه می‌شود که مناقشه و تردیدهای جدی درباره دیدگاه تفسیری اهل سنت در ذیل آیه وجود دارد. با توجه به اشکال‌های بیان شده ناگزیر باید حشر در آیه را به انضمام مفاد آیه به مسئله رجعت بازگردانیم. مفسران شیعی در طول تاریخ پاسخ‌های دقیق و ظریف و محققانه به دیدگاه مقابل داده‌اند، نمونه بارز آن در تفسیر المیزان آمده است. در نظر قرآن‌پژوهان شیعی جای هیچ تردیدی وجود ندارد که آیه ۸۳ سوره نمل ناظر به مسئله رجعت است. این تلقی نه صرفاً تحت تأثیر باورهای شیعی در مسئله رجعت، بلکه با تحلیل درونی و تعابیر مندرج در آیه و تبیین و تفسیر آن توسط ائمه معصومین به دست می‌آید. حاصل آنکه مفسران اهل سنت یا در ذیل آیه دست به تفسیر نزده و سکوت کرده‌اند و یا اینکه اگر ورود به تفسیر و تبیین آیه داشته‌اند، به جهت اشکال‌های فراوان نتوانسته‌اند تبیین درستی از آیه ارائه کنند.

نتیجه

در اثبات مسئله رجعت در آخرالزمان علمای شیعه به ادله مختلفی تمسک جسته‌اند. از میان دلیل‌های قرآنی، آیه ۸۳ سوره نمل پیشتاز سایر آیات است. محور اصلی در این آیه مسئله حشر گروهی از مردم است. آیا حشر این گروه در دنیاست تا اثبات‌کننده مسئله رجعت باشد؟ یا اینکه حشر ناظر به روز قیامت و حشر نهایی است؟ اگر حشر را ناظر به قیامت بدانیم، چه اینکه عالمان و مفسران اهل سنت بیان داشته‌اند، دیگر نمی‌توان از این آیه در مقام استدلال به رجعت استفاده کرد، اما از نظر شیعه جای هیچ تردیدی نیست که حشر در آیه ربطی به حشر در روز رستاخیز ندارد. آن دسته از مفسرانی که ورود به بحث ذیل آیه نموده‌اند، گفتارشان دارای اضطراب و تشویش است و تناقض‌های آشکاری در کلامشان مشاهده می‌شود.

اساس نظر مفسران امامیه به تحلیل درون‌متنی آیه و تبیین برونی آن توسط ائمه معصومین بازمی‌گردد. تمسک به ظواهر آیه و سیاق قبل و بعد آن بیانگر آن است که حشر گروهی از انسان‌ها (مکذبین) در این دنیا

و در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام صورت خواهد گرفت. تحلیل قرآنی و روایی بر وقوع رجعت در آخرالزمان، نکته قابل انکاری نیست تا عالمان اهل سنت از صراحت و وضوح و سیاق آیه چشم‌پوشی کرده، و حشر گروهی از انسان‌ها را به بعد از حشر واپسین در روز قیامت بازگردانند. نتیجه پایانی اینکه از قرائن و شواهد فراوانی که شیعه بیان می‌دارد به‌خوبی می‌توان استفاده کرد که مراد از حشر در آیه مربوط به رجعت در آخرالزمان است نه روز قیامت.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- آملی، سید حیدر، ۱۴۲۲ ق، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، تحقیق سید محسن موسوی تبریزی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
- ابن عجیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر جزری، محمد، ۱۳۶۴، النهایه فی غریب الحدیث، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمد الطناحی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- اکبری، محمدرضا، ۱۳۸۷، عصر شکوهمند رجعت، قم، مسجد جمکران.

- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- تبریزی، جواد، ۱۳۸۳، *الانوار الالهیه فی المسائل العقائدیة*، قم، دار الصدیقه الشهیده.
- _____، ۱۴۳۳ ق، *صراط النجاه فی اجوبه الاستفتاءات*، قم، دار الصدیقه الشهیده.
- تهرانی، آقا بزرگ، ۱۴۰۳ ق، *الذریعه الی تصانیف الشیعہ*، بیروت، دار الاضواء، چ سوم.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ ق، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین، چ چهارم.
- حاجی زاده، یدالله، ۱۳۹۴، *غالیان و شیوه‌های برخورد امام معصوم با ایشان*، قم، دفتر نشر معارف.
- حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، *الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه*، ترجمه احمد جنتی، قم، المطبعه العلمیه.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۳ ق، *تبیین القرآن*، بیروت، دار العلوم، چ دوم.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- حلبی، ابوالصلاح، بی تا، *الکافی*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- حلّی، حسن بن سلیمان، بی تا، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف، المطبعه الحیدریه.
- خطیب، عبدالکریم، بی تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بی جا، بی نا.
- الخوری الشرتونی، سعید، ۱۳۶۱، *اقرب الموارد*، قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی.
- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳ ق، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- درویش، محی الدین، ۱۴۱۵ ق، *اعراب القرآن و بیانه*، دمشق، دار الارشاد، الطبعة الرابعه.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دار القلم.

- راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام الهادی علیه السلام.
- رفیعی قزوینی، ابوالحسن، ۱۳۷۶، مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، تهران، الزهراء علیها السلام.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، بی تا، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، بیروت، دار المعرفه.
- سبحانی، جعفر، بی تا، الاضواء علی عقائد الشیعه الامامیه، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____، ۱۴۲۳ ق الف، الالهیات علی هدی کتاب و السنه و العقل، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ چهارم.
- _____، ۱۴۲۳ ق ب، الملل و النحل، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
- سلیمیان، خدامراد، ۱۳۸۴، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ: تحلیل و بررسی مسئله رجعت، قم، بوستان کتاب.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰، تفسیر سورآبادی، تهران، نشر نو.
- سید قطب، ۱۳۸۶ ق، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۱۲ ق، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار البلاغه.
- شهمیری، حسین، ۱۳۸۷، رجعت: بازگشت بزرگ در هنگام ظهور، قم، دفتر نشر معارف.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مؤلف.
- _____، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، الاعتقادات فی دین الامامیه، بیروت، دار المفید.
- _____، ۱۴۰۴ ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، جوامع الجامع، تهران و قم، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- _____، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- طبسی نجفی، محمدرضا، بی تا، الشیعه و الرجعه، نجف، مطبعه الاداب.
- طبسی، نجم الدین، ۱۳۸۹، رجعت از نظر شیعه، قم، دلیل ما، چ چهارم.

- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ سوم.
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____، ۱۴۱۱ ق، الغیبه، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم، دار القرآن الکریم.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نورالتقلین، قم، اسماعیلیان، چ چهارم.
- علم الهدی، علی بن حسین (سید مرتضی)، ۱۴۰۵ ق، رسائل الشریف المرتضی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، دار القرآن الکریم.
- _____، بی تا، رساله المحکم و المتشابه، قم، دار الشبستری.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، هجرت.
- فضل بن شاذان، ۱۳۶۳، الايضاح، تحقیق سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، القاموس المحیط، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۸ ق، الاصفی تفسیر القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، صدر.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چ سوم.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قزوینی، عبدالجلیل، ۱۳۳۵، کتاب النقص، تصحیح جلال الدین ارموی، تهران، بی نا.
- قفاری، ناصر بن عبدالله بن علی، ۱۴۱۵ ق، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه؛ عرض و نقد، بی جا، بی نا.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، قم، دار الکتب، چ چهارم.
- کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳ ق، زبده التفاسیر، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- کرمی حویزی، محمد، ۱۴۰۲ ق، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء.

- _____، ۱۳۸۷، *حق الیقین در اصول اعتقادات*، مشهد، بارش.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۷، *عقائد الامامیه*، تحقیق حامد حنفی، قم، انصاریان، چ دوازدهم.
- مظهری، محمد ثناءالله، ۱۴۱۲ ق، *التفسیر المظهری*، پاکستان، مکتبه رشديه.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر القرآن المجید*، تحقیق سید محمد علی ایازی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، *اوائیل المقالات*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- نجفی، سید بهاء الدین، ۱۴۲۰ ق، *منتخب الانوار المضمیه*، قم، مؤسسه امام الهادی علیه السلام.
- نیشابوری، حسن بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ب) مقاله‌ها

- بیات، محمدحسین و فردین دارابی، ۱۳۹۲، «تفاوت‌های اساسی رجعت و تناسخ با تکیه بر آیات و روایت» *سراج منیر*، شماره ۱۳، ص ۶۸ - ۳۱، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضائزاد، عزالدین و رمضان پای بر جای، ۱۳۹۵، «بررسی دلالت آیه ۸۳ سوره نمل بر رجعت از دیدگاه فریقین»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۲۵، ص ۶۰ - ۴۱، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- نیری، عصمت، ابوالحسن بارانی و محمدتقی دیاری بیدگلی، ۱۳۹۴، «تفسیر تطبیقی دابة الارض در آیه ۸۲ نمل و ارتباط آن با رجعت»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۲۳، ص ۲۲ - ۷، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ